



دوست بریتانیایی‌ها

● معصومه توفان‌پور

■ حکومت شیخ خزعل بن جابر
 ■ تألیف: دکتر ویلیام تئودورسترانگ
 ■ ترجمه: صفاءالدین تبرائیان
 ■ تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ اول،
 ۱۳۸۵، ۴۶۷ صفحه

نمی‌برد و همین رویکرد است که کتاب را از داشتن نگاه جانبدارانه به دور می‌دارد و به آن اصالت می‌بخشد. فصل نخست کتاب با اشاره به چگونگی دستیابی شیخ خزعل بر ریاست قبیله‌اش با کودتا و قتل برادر، به بررسی چشم‌انداز شیخ در رابطه با توسعه‌طلبی‌اش در منطقه خود و نیز کسب استقلال و خودمختاری با الگوبرداری از استقلال شیخ مبارک، امیر کویت و تحت‌الحمایه انگلیس شدن این شیخ می‌پردازد. از مکاتبات و فعالیت‌های انجام شده توسط وزارت خارجه و عوامل سفارت چنین برمی‌آید که حفظ منافع انگلیس، شکل‌گیری قدرت حائل را در منطقه ایجاب می‌کرده است که ضمن داشتن نقش حائل و رقیب حکومت مرکزی، بتواند از طرح‌ها و نقشه‌های آتی بریتانیا در منطقه حمایت کند. دیپلماسی بریتانیا در این راستا در جهت ایجاد، شکل‌دهی و تمرکز بر موضوع مورد نظر خود، به چانه‌زنی با دولت مرکز برآمد تا واگذاری امتیازهای این منطقه را برای شیخ و فقط برای او قابل توجه بنمایاند، اگر چه در این سمت و سوی نیز، همواره جانب احتیاط را از دست نمی‌داد و با چشم‌اندازهای آینده نگرانه خود، شیخ خزعل را فقط تا جایی که هم‌سو با منافعش باشد و نیز تا وقتی که قدرتش به استقلال و خوداتکایی نیانجامد، تحت حمایت قرار می‌داد. با تثبیت قدرت شیخ خزعل و شناسایی او از سوی حکومت مرکزی به عنوان مسئول گمرکات جنوب، پس از برقراری و اجرای قرارداد عوارض گمرکات توسط شرکت نوز بلژیکی، سیاستمداران انگلیسی در پی استحکام نفوذ خود در رابطه با شیخ، به ترفندهای گوناگونی متوسل شدند. سیاست گاه نزدیک و گاه دور در دیپلماسی بریتانیا با رویکرد منافع بلندمدت و آتی همواره در رابطه با عوامل آنان اتخاذ می‌شده است. در این برهه از زمان و مکان، اولی‌ترین و حساس‌ترین گزینه برای بریتانیا، هند شرقی، تعیین‌کننده سیاست‌های این کشور با قدرتمندان منطقه جنوب و خلیج فارس بوده است. با همین دیدگاه است که کارگزارانش در جنوب با طرح آبیاری توسط شرکت هلندی به مخالفت برمی‌خیزند؛ اگر چه طرح می‌توانست در بلندمدت دستاوردهای مفید و پرباری برای این خطه از کشور داشته باشد که مناطقی از آن علی‌رغم داشتن خاک

کتاب پایان‌نامه دکترای ویلیام تئودورسترانگ است که در هفت فصل و عناوین زیر تدوین شده است: فصل اول، آغاز رابطه ویژه، فصل دوم، دوست بریتانیایی‌ها، فصل سوم، نفت، آب و راه‌آهن، فصل چهارم، خزعل، خان‌های بختیاری و دولت انگلیس، فصل پنجم، جنگ جهانی اول، فصل ششم، کشمکش با رضاخان، فصل هفتم، سقوط شیخ خزعل و سخن آخر. مطالب کتاب عمدتاً برگرفته از اسناد و مدارک موجود در کتابخانه اداره اسناد هندوستان و وزارت هند، موزه بریتانیا، دانشگاه ایندیانا و اداره اسناد عمومی است. علاوه بر آن از مدارک و اسناد آرشیو بریتانیا نیز استفاده شده است. ضمن آن که به گفته مؤلف، امکان بهره‌گیری از اسناد و مدارک ایرانی مربوط به دوره حکومت قاجار، به ویژه مقطعی که با روی کار آمدن خاندان پهلوی مرتبط است، به آسانی امکان‌پذیر نبوده است. لازم به ذکر است که در این رابطه، منطقه مورد بحث، یعنی خوزستان، منطقه‌ای ویژه از نظر سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی و نیز کانون توجه خاصی در قرن اخیر بوده است و مدارک و پرونده‌هایی که مربوط به عملکرد شیخ خزعل بوده، با تسلیم و سرانجام سقوط شیخ پراکنده گردیده و بخش‌هایی از آن نیز از بین رفته است. ارزش کتاب با توجه به رویکرد آن، به موضوعی نسبتاً پیچیده و هنوز در پرده ابهام در رابطه با تاریخ معاصر ایران، بسیار قابل تعمق است. خاصه آن که منابع مورد استفاده مؤلف، عمدتاً انگلیسی و در واقع توسط کارگزاران و صحنه‌پردازان ماجرای اصلی پرداخته شده است و خلاً موجود در انجام کار تحقیقی در این موضوع به ویژگی خاص آن افزوده است. نکته قابل یادآوری دیگر این است که نگاه مؤلف با توجه به انگلیسی تبار بودنش، عاری از تعصب و به دور از پرده‌پوشی و کتمان حقایق است که سیاست‌گزاران کشورش در رابطه با این منطقه و به ویژه در مورد سوژه مورد نظر ایفا کرده‌اند. حقایقی که با نگاه موشکافانه مورد کنکاش محقق قرار گرفته‌اند و متن اصلی کتاب را تشکیل می‌دهند و نگاهی را از مطالعه کتاب عرضه می‌کند که شاید اگر خواننده در مقدمه با نویسنده آشنایی نیافته باشد، پی به انگلیسی تبار بودن او



ارزش کتاب با توجه به رویکرد آن، به موضوعی نسبتاً پیچیده و هنوز در پرده ابهام در رابطه با تاریخ معاصر ایران، بسیار قابل تعمق است. خاصه آن که منابع مورد استفاده مؤلف، عمدتاً انگلیسی و در واقع توسط کارگزاران و صحنه پردازان ماجرای اصلی پرداخته شده است

جهت کسب هر چه بیشتر منافع شرکت انگلیسی در گستره‌ای وسیع از هیچ کوششی فروگذار نکردند. به طوری که از وجود شیخ خزعل نیز به عنوان واسطه‌ای در پیشبرد سیاست‌هایشان همواره استفاده می‌کردند. مثلاً در این مرحله، حمایت از شیخ به عنوان رقیبی برای کوتاه‌کردن اختیار و قدرت شرکت هلندی از پروژه طرح کارون مورد نظر سیاستمداران بریتانیایی قرار گرفت. در واقع هم‌چنان که وزیر خارجه بریتانیا می‌گوید: «بهترین مسیری که می‌توانیم انتخاب کنیم، حمایت از شیخ و هماهنگی میان اهداف او و منافع ماست.» اسناد و مدارک گفتگوهای سفارت و وزارت خارجه انگلیس، که مؤلف در جای‌جای کتاب به آن‌ها استناد می‌کند، مؤید تلاش‌هایی است که دولت انگلیس در این منطقه حساس، به طور همه‌جانبه سعی در اعمال آن دارد و شیخ خزعل فقط به عنوان یک عامل و مهره در صفحه شطرنجی آن دارای نقش است. به طوری که در جریان طرح خط آهن ایران توسط شرکت انگلیس نیز، شیخ خزعل ابزاری گردید تا ساخت خط آهن به قلب ایران را بسترسازی کند و بخش‌های جنوبی کشور را نیز در مدار بهره‌برداری امپراطوری انگلیس قرار دهد. این فصل از کتاب به بیان تلاش‌هایی می‌پردازد که کارگزاران انگلیسی در جهت نزدیک‌سازی خود به خان‌های بختیاری دارند، زیرا پس از

حاصلخیز، به دلیل شرایط خاص اقلیمی همواره از کمبود آب لازم برای زندگی و کشاورزی در رنج بوده است. مخالفت شیخ خزعل با این طرح، برخاسته از نگاه تنگ‌نظرانه او و با احتمال از دست دادن بخش‌هایی از املاک بسیار وسیعش بوده است؛ نیز تحریک عوامل انگلیسی برای حفظ منافع بلندمدت خود در جنوب ایران به این مخالفت دامن می‌زد، در واقع سیاستگزاران بریتانیایی در جنوب ایران، همواره در موقع لزوم از قدرت وجود شیخ خزعل در راستای اعمال برنامه‌های خود بهره‌برداری می‌کردند و در آنجا که او را بی‌فایده و حتی خطر احتمالی تشخیص می‌دادند، سعی در تنزل قدرتش داشتند و همواره تا جایی که او میدان عمل دادند که نتواند درصدد قدرت‌نمایی در برابر حامیان اصلی برآید یا به خاطرش خطور کند که به جبهه رقیب و دشمن بریتانیا، یعنی روسیه، نظر مساعدی داشته باشد.

پس از ایجاد زمینه‌ها و شرایط مقدماتی در روند مشروطه‌خواهی در ایران، که از جمله خواست‌های عمومی و ملی مطرح شده، جلوگیری از سیاست امپریالیستی و مخالفت با آن بود، بار دیگر شیخ خزعل کانون توجه بریتانیا گردید. به این ترتیب که اگر بریتانیا می‌توانست به قدرت‌نمایی نظامی خود در کارون، شیخ خزعل را به عنوان یک قدرت در خلیج فارس مطرح کند، وضعیت بی‌ثبات او را به عنوان ملاکی نیمه‌مستقل در منطقه بی‌طرف ایران مشخص می‌کرد. اما حادثه‌های خارق‌العاده در حوزه نفتون مسجد سلیمان وضعیت را به گونه‌ای تغییر داد که نه تنها بر روابط خزعل با انگلیس و ایران، بلکه در جهان اثر عمیقی بر جای گذارد. در حقیقت «کشف نفت در خوزستان»، چرخ‌های سیاستی را که ستمداران بریتانیایی در خلیج فارس به سرمداری سرپرستی ساکس دنبال می‌شد، فقط روغن کاری کرد. این کشف فرصتی ایده‌آل بود که سیاست انگلیسی - هندی بریتانیا را تا خوزستان پیش ببرد. در این مرحله آنان با تلاش بی‌وقفه خود در

خزعل علاوه بر آن که به عنوان عامل و کارگزار علیه عثمانی واقع می‌شد، پایگاه او در رأس خلیج فارس، نمادی از سلطه انگلیس بود که حفظ آن ضرورت داشت. عامل دیگر در توجه بریتانیا به این منطقه، وجود پالایشگاه نفت و دو سوم لوله‌های میدان‌های نفتی بود که در قلمرو نفوذ خزعل قرار داشت

اکتشاف نفت مناطق بختیاری اهمیت ویژه‌ای یافته بودند. پیوستن خان‌های بختیاری به صف مشروطه‌طلبان، فتوای مجتهدان بر علیه اجانب و فشار آن بر شیخ خزعل هیچ کدام نتوانست شیخ خزعل را از صف عاقبت‌جویانه و جانبداری از اربابان انگلیسی دور سازد. او همچنان منتظر مشورت‌های آنان و کسب تضمین‌های حمایتی از جانب آنها بود. توافقی جدید او با شرکت نفت ایران و انگلیس و نیز با دولت انگلیس درباره آینده طرح آبیاری خوزستان، که شیخ سعی در مکتوم ماندن آن‌ها داشت، زمینه را برای ایجاد برخوردهای جدی‌تر میان شیخ خزعل و بختیاری‌ها، بیش از گذشته آماده ساخت. در این برخوردها، موضع انگلیسی‌ها، حمایت از سیاست قبیله‌ای شیخ محمره بود تا به واسطه او تمامی قبایل استان تحت کنترل فردی واحد قرار گیرد و چه به راحتی تحت نفوذ باشد؛ اما روند سیاسی در ایران به نحوی پیش رفت که آنان احساس کردند که به حسن نیت و همکاری بختیاری‌ها بیش از شیخ محمره نیاز دارند و از این پس حمایت‌ها از شیخ رو به ضعف گرایید.

جنگ جهانی اول و حائل شدن منطقه جنوب ایران بین دو دولت درگیر در جنگ، یعنی عثمانی و انگلیس، بار دیگر شیخ خزعل را به بریتانیا نزدیک ساخت که قدرت و اعتباری بیش از عثمانی در نظر مردم منطقه داشت. ایجاد آشوب در بصره توسط افراد قبیله محمره، از جمله خوش‌خدمتی‌های شیخ خزعل به انگلیس‌ها بر علیه دولت هم‌کیش او یعنی عثمانی بود. خزعل علاوه بر آن که به عنوان عامل و کارگزار علیه عثمانی واقع می‌شد، پایگاه او در رأس خلیج فارس، نمادی از سلطه انگلیس تلقی می‌شود که حفظ آن ضرورت داشت. عامل دیگر در توجه بریتانیا به این منطقه، وجود پالایشگاه نفت و دو سوم لوله‌های میدان‌های نفتی بود که در قلمرو نفوذ خزعل قرار داشت. شبکه فعال دیپلماسی بریتانیا در این مقطع زمانی و منطقه‌ای، موضوع عمده این فصل از کتاب را تشکیل می‌دهد که عمدتاً با رویکرد حفظ منافع گسترده و دراز مدت انگلیس، سعی در جلب اعتماد و نزدیکی به دوستان بومی خود از جمله شیخ خزعل دارد. همچنان که انتظار می‌رفت خزعل در هر مقطعی که ضرورت داشت، دست حمایت‌خواه ارباب را کنار نزد و حتی خود را درگیر نبرد بین‌النهرین با عثمانی کرد که با فتوای علمای برجسته نجف مواجه شد و از او خواستند که در مقام یک فرمانروای شیعه، به جنبش جهاد علیه بریتانیا بپیوندد. در حقیقت، شیخ خزعل در موضع فرمانبرداری از صاحبان امر خود، نه فقط بر مردم منطقه و هم‌زادینش، بلکه بر هم‌کیشان خود نیز چشم فرو بست و آنان را به عطای بخشش‌های اربابان در بازار مکاره

سیاست به بهایی اندک عرضه کرد.

دو بخش پایانی کتاب، عمدتاً فراز و فرودهایی است که شیخ در روند ارتباط خود با سیاستمداران بریتانیایی دارد، شکست نیروهای انگلیس هند از عثمانی، دگرگونی مناسبات قدرت‌های صاحب نفوذ منطقه یعنی امپراتوری آلمان و عثمانی پس از جنگ جهانی اول، انقلاب روسیه و رفع تهدید از جانب این کشور برای همسایگان و اشغال ایران توسط نیروهای انگلیس پس از جنگ، از جمله عواملی بودند که ماهیت قدرت خزعل را میان تپی و واهی ساختند. کودتای سید ضیاء و آمدن رضاخان با جهت‌گیری مخالفت با سیاست انگلیس و رویکرد به کمک‌های ایالات متحده، روند اضمحلال قدرت شیخ خزعل را تسریع کرد. آنچه از محتوای گفتگوها و پیام‌های رد و بدل شده و ملاقات‌ها به دست می‌آید، این است که محور توجه و تمرکز دولتمداران انگلیسی، حفظ منافع خود با کمک و حمایت از کسانی است که دارای قدرت بیشتر و پایداری طولانی‌تری هستند و نه شخص و مقام خاصی مقام شیخ خزعل و امثال او. مدارک ارائه شده، چرخش سیاست کارگزاران جدید بریتانیایی را به نفع رضاخان عرضه می‌کند که هیچ توافقی با سیاستی نداشت که شیخ سمبل و نماد آن به‌شمار می‌آمد. در این بخش چهره استعماری سیاستگزاران انگلیسی به وضوح بسیار عیان می‌شود؛ آنجا که می‌گوید این نکته را به شیخ تفهیم نمایید که چنان‌چه به جای دل‌بستگی به نتایج حمایت‌های ما، به اقدامات شورشی متوسل شود، با ناخشنودی عمیق دولت پادشاهی انگلیس مواجه خواهد شد. به این ترتیب مامشات و سکوت حامیان شیخ در برهه‌ای که موقعیت او از بنیان به مخاطره افتاده بود، او را نیز مقهور رقیب تازه به میدان آمده، یعنی رضاخان نمود، زیرا دیگر تاریخ مصرف شیخ برایشان به سر آمده بود و نیازی به وجود این مهره نداشتند. آنچه از عملکرد سیاستگزاران انگلیسی در روند ارتباط با شیخ خزعل تا پایان کار او براساس مدارک مستند موجود در کتاب می‌توان به عنوان نتیجه‌گیری بیان کرد، شاید تا حدودی در کلام رضاخان، پس از آخرین دیدارش با کارگزار انگلیس، آمده باشد که می‌گوید ما به عنوان دو دوست از یکدیگر خداحافظی کردیم، ولی از دیدار در مورد سیاست بی‌رحمانه انگلیس درس عبرت گرفتیم. این دیدار به من ثابت کرد که بسیاری از دیپلمات‌های انگلیسی فاقد هرگونه احساس و عاطفه‌اند. آن‌ها برای دست‌یافتن به اهداف خود از دوست و دشمن استفاده می‌کنند و وقتی به اهداف خود دست یافتند و آلت دست بهتری پیدا کردند، به راحتی و بدون توجه به خدمات و دستاوردهای دوستانشان آنان را به فراموشی می‌سپارند.